



doi **Introducing the manuscript of the Kholasah Al-Haghaegh**
by Najibauddin Reza Tabrizi Isfahani

Ahmad tahan¹ Mohammad reza ghamgosar² Sayyed Mahdi kheirandish³

Submitted: 23-07-2022 Revised: 30-07-2022 Accepted: 03-08-2022 Published: 23-09-2022 pp.80-108

Abstract

The literary texts of each period serve as major sources of knowledge of the religious, historical, political and social situation of that period, representing the lives and times of the people. One of these texts is the Masnavi “Kholasah Al-Haghaegh” by the 11th-century (AH) mystic Najib Al-Din Reza Tabrizi Esfahani (1047 - 1102 AH) , known as the thirtieth Qutb of the Zahabiiya hierarchy. With 3500 verses, this Masnavi (also couplet poem) was composed in the year 1100 (AH) and included mystical subjects, basics of Sufism and ethics, as well as components of the [mystical] way; however, the poet has striven to use the imagery in the book to bring it out of a purely training and didactic book and express the complicated mystical and theological terms in a symbolic one using allegories. Five manuscripts of the Kholasah Al-Haghaegh Masnavi are available. Also, Mirza Ahmad Ardabili (another Aqtaab of the Zahabiiya hierarchy) had published this Masnavi from a manuscript with leaded print in a book called “Kefayat Al-Mo’menin Va Osaf Al-Mogharrebin” in 1338 (AH). This research is descriptive-analytical and uses library and documentary methods. In the meantime, the oldest version was scribed in the poet’s lifetime, i.e., the one with the least error or typing misspellings was selected as the top version and then compared to other versions to investigate the differences between the versions. The manuscripts have some misspellings, found in all or sometimes in some. The poet himself has made some rhyming mistakes in a number of verses.

Keywords: Correction, Manuscript, Kholasah Al-Haghaegh, Najid Al-Din Reza Tabrizi Esfahani, Masnavi, Mystics.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



1. Department of Persian Language and Literature, Firoozabad Branch, Islamic Azad University of Firoozabad, Iran. - <mailto:tahanahmad@yahoo.com>
2. Department of Persian language and literature. Faculty of Humanities. Islamic Azad University, Firozabad branch. Fars Iran.
3. Persian literature group. Payam Noor university. Shiraz. Fars Iran.






References

- Holy Quran (1390). Translation by Bahauddin Khorramshahi. Tehran: Boostan Publications. Seventh edition.
 - Bahar, Mohammad-Taqi (1376). Stylistics. Volume one. Tehran: Badiheh Publications. Ninth edition.
 - Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1401 AH). Sahih al-Bukhari. Volume four. Istanbul: Dar al-Fikr Publications.
 - Estehbani, Ali Naqi (1382). Burhan al-Murtazin. Edited and verified by: Mohammad Hartmani. Isfahan: Moqim Publishing.
 - Foruzanfar, Badi al-Zaman (1361). Hadiths of Masnavi. Tehran: Amir Kabir Publications. Third edition.
 - Jahanbakhsh, Joya (1378). Guide to Textual Criticism. Tehran: Miras-e Maktub.
 - Khavari, Asadollah (1398). Zahabiya (Scientific Sufism - Literary Works). Volume one. Tehran: University of Tehran Press. Fourth edition.
 - Koleyni Razi, Muhammad ibn Ya'qub (1390). Al-Usul al-Kafi. Edited, translated and explained by Hossein Ostad Vali. Volume one. Tehran: Dar al-Thaqalayn.
 - Mayel Haravi, Najib (1369). Criticism and Verification of Texts (Stages of Codicology and Methods of Editing Persian Manuscripts). Mashhad: Astan Quds Razavi.
 - Modarresi Chahardahi, Noor al-Din (1361). The Course of Sufism. Tehran: Eshraghi Publications. Third edition.
 - Najib al-Din Reza Johari, Mohammad Reza (1100 AH). Kholasat al-Haqa'iq (manuscript).
 - _____ (2018). Divan of Poems. Edited and explained by: Khairallah Mahmoudi. Qom: Talaye Noor Publications.
 - _____ (2019). Noor al-Hidayah wa Masdar al-Wilayah. Edited and explained by: Khairallah Mahmoudi. Tehran: Mowla Publications.
 - _____
 - Najm Razi, Abu Bakr ibn Muhammad (1365). Mirsad al-'Ibad. Edited by Mohammad Amin Riyahi. Tehran: Ilmi va Farhangi Publications. Second edition.
 - Nowruzi Sadeh, Ezzat and Radmanesh, Ata Mohammad (2020). "A Study of Types of Allegory in the Masnavi Kholasat al-Haqa'iq by Najib al-Din Reza Tabrizi." Quarterly Journal of Allegorical Research in Persian Language and Literature. No. 46. pp. 93-112.
 - Shaidi, Seyyed Jafar (1373). Commentary on Masnavi (Part Four of the First Volume). Tehran: Ilmi va Farhangi Publications.
 - Shamisa, Siros (1400). Introduction to Prosody and Rhyme. Tehran: Mitra Publishing. Sixth edition.
 - Shams Qais, Mohammad (1388). Al-Mu'jam fi Ma'ayir Ash'ar al-Ajam. Edited by Mohammad ibn Abdul Wahhab Qazvini and others. Tehran: Nashr Elm.
 - Zarrinkoub, Abdolhossein (1369). The Value of the Sufi Heritage. Tehran: Amir Kabir Publications. Sixth edition.



نسخه‌شناسی خلاصه الحقایق نجیب‌الدین رضا تبریزی اصفهانی

احمد طحان*^۴  محمد رضا غمگسار^۵  سید مهدی خیراندیش^۶ 

از صفحه ۸۰ تا صفحه ۱۰۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده

متون ادبی هر دوره منبع مهمی برای آگاهی از وضعیت مذهبی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن روزگار و همچون آینه‌ای است که احوال روزگار و ابنای آن را به‌درستی نشان می‌دهد، یکی از این متون، مثنوی "خلاصه الحقایق" از عارف قرن یازدهم (ه.ق) نجیب‌الدین رضا زرگر تبریزی اصفهانی (۱۱۰۲-۱۰۴۷ ه.ق) قطب سی‌ام سلسله‌ی ذهبیه است که ۳۵۰۰ بیت دارد و در سال ۱۱۰۰ (ه.ق) سروده شده و مشتمل بر مسائل عرفانی، مبانی تصوف و آداب سیر و سلوک است، با این حال شاعر کوشیده تا با استفاده از آرایه‌های ادبی کتاب را از یک متن صرفاً آموزشی و تعلیمی بیرون بیاورد و (وحیدالاولیاء) از اقطاب ذهبیه این مثنوی را در سال ۱۳۳۸ (ه.ق) و در ضمن کتاب "کفایة المؤمنین و اوصاف المقربین" از روی یک نسخه‌ی خطی با چاپ سربی منتشر کرده است. نسخه‌ی مورد استفاده‌ی وحیدالاولیاء را کاتبی به نام "محمد رضا منشی" در سال ۱۱۶۰ (ه.ق) کتابت کرده است. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی با شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای است. در هنگام تصحیح، کهن‌ترین نسخه که در زمان خود شاعر کتابت شده و نسبت به دیگران لغزش‌های املائی و نگارشی کمتری دارد؛ به‌عنوان نسخه‌ی اساس برگزیده شده، ضمن مطابقت با نسخه‌های دیگر اختلاف نسخ هم ضبط شده است. در میان نسخ خطی غلط‌های املائی چندی وجود دارد که گاهی در تمام نسخ و گاه فقط در چند نسخه دیده می‌شود. خود شاعر نیز در شماری از بیت‌ها دچار لغزش در قافیه شده است.

کلیدواژه: تصحیح، نسخه‌ی خطی، خلاصه الحقایق، نجیب‌الدین رضا تبریزی اصفهانی، مثنوی، عرفان

Cite this article: tahan, ahmad; ghamgosar, mohammad reza; kheirandish, seyed mehdi. (2022). Introducing the manuscript of the Kholasah Al-Haghaeigh by Najibuddin Reza Tabrizi Isfahani. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-1, Issue-2, 80-108. <https://doi.org/10.22034/crtc.2022.352966.1030>

۴ (نویسندهٔ مسؤول) گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزآباد، ایران - tahanahmad@yahoo.com

۵ گروه زبان و ادبیات فارسی. هابی دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد. فارس. ایران.

۶ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام‌نور. شیراز. فارس. ایران. - kheirandish.1960@yahoo.com



۱- مقدمه

نسخه‌های خطی به جامانده از دوران گذشته، منابع مهمی برای آگاهی از وضعیت مذهبی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن روزگار است. بخش بزرگی از این آثار در برگزیده‌ی ادبیات پربار صوفیه است. میراث عظیمی که از ادبیات صوفیه و اندیشه‌های عارفان بزرگ به ما رسیده، در فرهنگ و ادب و شیوه‌ی زندگی گروهی از ما تأثیر بسیاری به جای گذاشته؛ از جمله رواج فکر قناعت، رضا، اندیشه‌ی توکل و تسلیم که برخی از شرقیان را به خاکساری و درویش نهادی رهنمون شده است (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۳).

یکی از نسخه‌های خطی که از گذشتگان ما به ارث رسیده، مثنوی "خلاصة الحقایق" از عارف قرن یازدهم (ه.ق) نجیب‌الدین رضا زرگر تبریزی اصفهانی است. محمد یوسف نیری درباره‌ی شیخ و آثار او می‌گوید:

«شیخ نجیب‌الدین رضا تبریزی اصفهانی از اقطاب (ارکان) سلسله‌ی ذهبیه است که با آثار خود زمینه‌ساز و نویدبخش دوره‌ی جدید و متفاوت پس از خود می‌باشد. شیخ مردی جامع‌الاطراف بود. هم در شریعت قدمی استوار داشت و هم در طریقت جلوه‌ای کم‌نظیر یافت. او در آثار خود چه نثر و چه نظم قفل‌های فرسوده‌ی تعصب و هنجارهای غلط نادانی را شکسته است» (نجیب‌الدین رضا، ۱۳۹۷: ۴-۱).

مثنوی "خلاصة الحقایق" مشتمل بر مسائل فلسفی، عرفانی و مبانی تصوف و آداب سیروسلوک است که نجیب‌الدین آن را در سال ۱۱۰۰ (ه.ق) در ۳۵۰۰ بیت سروده، وی در این مثنوی که ۱۰۶ عنوان دارد، از موضوعات گوناگون مانند: حمد خدا، نعت رسول، منقبت امامان شیعه و بیان کیفیت روح و ظهور انواع ارواح از روح‌القدس و لوح محفوظ، چگونگی حدوث روح و نفس و جسم و انشعاب علم از قدرت سخن به میان آورده تا بیان تمثیلی حسن معشوق و وصول عاشق به معشوق و ظهور آدم و حسد ابلیس که نتیجه‌اش خروج آدم از بهشت به وسوسه‌ی ابلیس است.

بیان صفت کاملان صاحب ارشاد که قافله‌سالار کعبه‌ی مقصود و اصل شجره‌ی ولایت‌اند و در جایگاه انبیا، اولیا و خواص قرار می‌گیرند و همچنین مرگ ارادی و مرگ موعود، بیان صراط، میزان و حساب و معنی جبر و قدر، خوف و رجا، تأویل در کلام حق و انواع فقر از موضوعات دیگر این مثنوی است.

نجیب‌الدین رضا از اقطاب تأثیرگذار و برجسته‌ی ذهبیه است. دوران حیات او مصادف با رفتارهای ریاکارانه‌ی صوفی‌نمایان برای فریب مردم و خدشه‌دار کردن چهره‌ی صوفیان و هجمه‌ی قلمی عالمان مذهبی عصر صفوی به



تصوف بوده است. مثنوی "خلاصة الحقایق" شیخ حاصل دوران کمال و آخرین اثر اوست که زبانی پخته‌تر از دیگر آثارش داد.

معرفی متنی نزدیک به متن اصلی و بیان ویژگی‌های سبکی، آرایه‌های ادبی و بررسی محتوایی نسخه برای آشنایی پژوهندگان با این اثر عرفانی کمتر شناخته شده از اهداف این تحقیق است.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مثنوی "خلاصة الحقایق" را نخستین بار وحیدالاولیاء در سال ۱۳۳۸ (ق.ه) در ضمن "کفایة المؤمنین و اوصاف المقربین" به چاپ سری درآورده است. عزت نوروزی سده هم مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی گونه‌های تمثیل در مثنوی خلاصة الحقایق اثر نجیب‌الدین رضا تبریزی" در "فصلنامه‌ی تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی" در زمستان سال ۱۳۹۹ شماره ۴۶ به چاپ رسانده و در آن تمثیل و گونه‌های آن مانند ارسال المثل، حکایت تمثیلی (آلیگوری)، تمثیل‌های قرآنی و مواردی از نمادها و حکایت‌های رمزی را در این اثر بررسی کرده است.

درمورد آثار دیگر شیخ نجیب‌الدین تا کنون دو کتاب، یک رساله، دو پایان‌نامه و دو مقاله نوشته‌اند:

۱- داوود چوگانیان (۱۳۸۷) در "فصلنامه‌ی تحقیقی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد" مقاله‌ی "سبع المثنای، تمام ناتمام مثنوی" به چاپ رسانده که برگرفته از رساله‌ی دکتری او به نام "تصحیح بخش اول کتاب سبع المثنای اثر نجیب‌الدین رضا تبریزی" است. به نظر نویسنده، این اثر شامل اطلاعات گسترده‌ای از عصر و نسل مؤلف و نیز حوزه‌های مختلف اجتماعی، اعتقادی و عرفانی درون و برون سلسله‌ی ذهبیه بوده است، به طوری که می‌توان آن را دایرة‌المعارف عصر صفوی نامید.

۲- بهرام شعبانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان "بررسی احوال، افکار و آثار شیخ نجیب‌الدین رضا زرگر تبریزی" که در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است، درباره‌ی شیخ می‌گوید: با وجود امی^۷ بودن آثار ارزشمندی دارد و مثنوی "سبع المثنای" او بر اقطاب و خلفای بعد از او تأثیر چشمگیری داشته و تأثیر اندیشه‌های

۷- نجیب‌الدین در مقدمه‌ی دوم نورالهدایه خود را "مجنوب امی" معرفی می‌کند. مؤلف ریاض‌العارفین هم او را امی می‌خواند، اما بعید به نظر می‌رسد که مرد درس ناخوانده‌ای چندین اثر علمی به وجود آورد و در آن‌ها این همه معانی دقیق و عالی فلسفی و عرفانی نموده و تا این اندازه بر تفسیر و دقایق ادبی آیات قرآن و احادیث احاطه داشته باشد (خاوری، ۱۳۸۳: ۲۸۳).



عرفانی مولانا در این اثر مشهود است.

۳- الهام غلام کلیسانی (۱۳۹۲) نسخه‌ی خطی دیوان شیخ را به صورت پایان‌نامه و با عنوان "مقدمه و تصحیح نسخه‌ی خطی دیوان نجیب‌الدین اصفهانی" در دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد تصحیح و از آن دفاع کرده است. نگارنده درباره‌ی سبک دیوان شیخ می‌گوید: هرچند وی در دوره‌ی سبک هندی می‌زیسته، اما در نظم دیوان به شعرای عارف پیشین نظر داشته است و اظهار می‌کند که اندیشه‌ی صوفیانه‌ی شیخ در غزل‌های او کمتر نمود داشته است.

۴- الهام غلام کلیسانی مقاله‌ی دیگری نیز تحت عنوان "شناخت‌نامه‌ی نجیب اصفهانی و نسخه خطی دیوان او" دارد که در مجله‌ی "بهارستان سخن" شماره‌ی ۳۰ سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. او در این مقاله درباره‌ی سبک غزلیات نجیب‌الدین می‌گوید: شیخ در غزل از سعدی و حافظ پیروی کرده و در پاره‌ای موارد هم تحت‌تأثیر ناصر خسرو است.

۵- خیرالله محمودی دیوان شعر و کتاب "نورالهدایه و مصدرالولایه"ی شیخ را به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ خورشیدی تصحیح و چاپ کرده است.

۳- روش پژوهش

روش این پژوهش نظری، توصیفی-تحلیلی و با شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای است. تصحیح این نسخه بر مبنای نسخه‌ی اساس است، بدین شکل که قدیمی‌ترین نسخه به عنوان نسخه‌ی اساس انتخاب گردید و سایر نسخ با آن مطابقت داده شد. هرچند بنا بر نظر برخی از مصححان صاحب‌نظر «همواره اقدام نسخ، اصح نسخ نیست» (جهان‌بخش، ۱۳۷۸: ۱۸). این نسخه در بررسی و مقایسه با دیگر نسخه‌ها علاوه بر کتابت در زمان حیات شاعر لغزش‌های املائی و نگارشی کمتری نسبت به نسخ دیگر دارد و در موارد اختلاف فقط با یک یا دو نسخه تفاوت دارد، بنابراین واجد سه عنصر مهم: قدمت، صحت و استقلال است که مصححان در برتری ارزش یک نسخه بر آن تأکید کرده‌اند (همان: ۱۷). در هنگام مطابقت، اختلاف نسخه‌ها ضبط و در پاورقی آورده شده و مطابق معمول برای هر نسخه نیز یک علامت اختصاری تخصیص داده‌ایم.



۴- شیخ نجیب‌الدین رضا و آثار وی

نام او محمدرضا و پدرش ابوالمحماد محمد بن محمد تبریزی است، وی اصلاً تبریزی بوده، ولی در سال ۱۰۴۷ (ق. ۵) در اصفهان متولد شده است. تاریخ تولد او به اعتبار این است که خود در پایان کتاب "سبع‌المثانی" تاریخ نظم آن را سال ۱۰۹۴ ذکر کرده و به صراحت گفته که در آن وقت ۴۷ سال داشته است، بنابراین تاریخ تولدش بی‌گمان سال ۱۰۴۷ می‌باشد (خاوری، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

با توجه به دو بیت زیر از آقا محمد هاشم درویش در نسخه‌ی خطی "ولایت‌نامه" نسب اجدادی نجیب‌الدین به شیخ ابراهیم فخرالدین عراقی، عارف و شاعر قرن هفتم هجری می‌رسد:

زین سبب آن شه نجیب‌الدین بود
هم نظرکرد علی موسی‌الرضاست

در نسب ز اولاد فخرالدین بود
تا بدانی کاو ز نور مرتضاست

شیخ از چهره‌های برجسته و فعال دورانی هست که بازار فساد اجتماعی و ریا و خودفروشی رواج داشته و کمتر کسی خریدار سیروسلوک واقعی بوده، نجیب‌الدین در چنین روزگاری مسئولیت سنگینی بر دوش احساس کرده و توانسته با پیروی از شریعت گام در وادی طریقت بگذارد و با کسب معرفت به حقیقت نایل آید.

نجیب‌الدین در کتاب "نورالهدایه" می‌گوید: در سن ۱۴ سالگی به خدمت مربی خود، شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی در اصفهان رسیدم و بعد از آن به مشهد مسافرت کردم. نزدیکان و اقوام بنده هر که مانع راه می‌شد، حق تعالی او را به وسیله‌ای دفع می‌کرد، از جمله این که جمعی از آن‌ها امام رضا (ع) را در خواب دیدند که فرمود: به نجیب بگوئید از آخوند مربی خودش جدا نشود که سخن او سخن ماست و به مشهد بیاید. شیخ ده سال در مشهد می‌ماند و پس از گذراندن ریاضت‌های طولانی در سن ۲۴ سالگی به مقام شیخی و سپس در ۲۸ سالگی به مقام قطبیت (قطب صامت)^۸ می‌رسد و در خدمت پیر خود به اصفهان باز می‌گردد. در بازگشت اولین اثر خود "نورالهدایه" و مصدرالولاية" را به درخواست تعدادی از مریدان تألیف می‌کند، همان گونه که "کشف‌المحجوب"، "مرصادالعباد"، "انسان کامل"، "مثنوی" و بسیاری از کتب دیگر عرفانی به درخواست مریدان تألیف شده است. موضوع "نورالهدایه"

۸- ذهبیه قطب وقت خود را قطب ناطق و جانشین وی را در ایام حیات استادش قطب صامت نامند. ناطق و صامت از اصطلاحات خاص فرقه‌ی اسماعیلیه است که در تصوف هم بعضی به کار می‌برند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۱: ۲۹۰).



نکات و مباحث عرفانی است و دو دیباچه، یک مقدمه، هفت اصل و یک خاتمه دارد. شیخ در سال ۱۰۹۴ "سبع‌المثنی" را تألیف می‌کند و در دیباچه، آن را جلد هفتم مثنوی مولوی می‌خواند. تعداد ابیات این مثنوی بیست هزار بیت و موضوع آن عرفان و مراحل سیروسلوک است؛ ۲۸۷ مقاله دارد و هر مقاله به شیوه‌ی مثنوی مولوی در برگیرنده‌ی قصه‌های متعددی است که از آن‌ها نتیجه‌ی عرفانی گرفته است. "سبع‌المثنی" سه بخش دارد: مقدمه، تحمیدیه و نعوت متفاوت و خاتمه‌ی آن که دعا و نیایش است. شیخ در ۵۳ سالگی در مدت چهل روز مثنوی "خلاصة‌الحقایق" را به رشته‌ی نظم کشیده است:

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| سال هزار و صد هجرت تمام | عمر به پنجاه که شد در نظام |
| اربعینی با همه آزار تن | که نبد آرام مرا در بدن |
| در دل شب راز و نیازم همین | بود که گفتم به تو نیکو بین |

نجیب‌الدین علاوه بر سه اثر یاد شده، دیوان اشعاری دارد که در برگیرنده‌ی ۵۲۰۷ بیت است و شامل ۴۱۶ غزل، دو مثنوی بلند در مناجات خداوند و رثای امام حسین (ع) و شهدای کربلا، چهار قصیده، دو ترجیح بند، مستزاد و ۵۵ رباعی است. شیخ در این اشعار به قالب و ساختار کلام چندان توجهی نداشته زیرا حالت وجد و شوق لقای معشوق در حالت سرایش اشعار بر وی غالب بوده است (نجیب‌الدین رضا، ۱۳۹۷: ۲۳-۱۱).

نجیب‌الدین سرانجام در سال ۱۱۰۲ (ق.ه) در ۵۵ سالگی دیده از جهان فرو می‌بندد و در قبرستان "تخت فولاد" اصفهان به خاک سپرده می‌شود، اما در حال حاضر آثار قبر او از بین رفته است. شیخ علی‌نقی استهباناتی جانشین وی در "برهان‌المرتاضین" می‌نویسد: «از ابتدای تاریخ هزار و سیصد و دو هجری، پاسبانی و جاروب‌کشی آن سلسله به این فقیر بی‌بضاعت مؤلف این رساله، علی بن محمد المدعو علی‌نقی - تاب الله علیه توبه نصوحا - رسیده است» (علی‌نقی استهباناتی، ۱۳۸۲: ۱۸۴). پس به استناد قول صریح خلیفه‌ی او نقل قول‌های دیگر درباره‌ی زمان مرگ نجیب‌الدین رضا نادرست است.

۵- ذهبیه

واژه‌ی ذهبیه از ذهب است و در معانی مختلف از جمله طلا به کار رفته و "ی" مشدد نسبت عربی به آخر آن



افزوده شده است. "ه" آن شکلی از "تا"ی عربی است و در اصطلاح به گروه خاصی از صوفیان گفته می‌شود. در وجه تسمیه‌ی آن به این گروه چندین دلیل ذکر کرده‌اند: اول چون سند خرّقه‌ی ولایت این سلسله از معروف کرخی به امام رضا (ع) و از آنجا به حضرت رسول (ص) می‌پیوندد، از این جهت این تسلسل را به زر تشبیه کرده و آن را "سلسله‌الذهب" نامیده‌اند. دوم اختصاص کیمیاگری به این سلسله است و سوم تبدیل مس وجود سالکان و صافی شدن از مادیات و وسوسه‌های نفسانی و چهارم این که اهل سنت در سلسله‌ی ذهبیه وارد نشده و اینان، همه شیعه و مانند طلا خالص بوده‌اند. اولین بار که کلمه‌ی ذهبیه در آثار ادبی دانشمندان و صوفیه به کار رفته در اشعار عین القضاة همدانی (مرگ ۵۲۵ ه.ق) بوده است و در آثار قبل مانند "اللمع"، "طبقات الصوفیه" و "کشف‌المحجوب" اثری از کلمه‌ی ذهبیه دیده نمی‌شود.

نام‌های مختلفی که بر این سلسله نهاده‌اند: الهیه، محمدیه، علویه (ع)، رضویه، مهدیه، معروفیه، ذهبیه و کبرویه است که وجه تسمیه‌ی هرکدام را ذکر کرده‌اند. اولین قطب این سلسله، معروف کرخی (وفات ۲۰۰ ه.ق) است. ذهبیه سند خرّقه‌ی خویش را توسط معروف کرخی به علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌رساند. آن‌ها دوازدهمین قطب خود را شیخ نجم‌الدین کبری می‌دانند و تعداد قطب‌هایشان را تا زمان مرگ مجدالاشراف متخلص به قدسی (۱۳۳۱ ه.ق) ۳۶ تن برشمرده‌اند (خاوری، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۹۰).

محمد یوسف نیری از ذهبیه به‌عنوان سلسله‌ی عرفانی نام می‌برد. منظور او از سلسله‌ی عرفانی جریان مستمر و مستندی است از اصول اعتقادی و شیوه‌های تربیتی و جهان‌بینی فرهنگی به همراه با چهره‌های عینی و آثار فکری مربوط که به طور مستند در طی روزگار، حضوری فعال داشته و معتقد است این سلسله از آغاز تا کنون سه دوره پشت سر گذاشته است: دوره‌ی اول از قرن دوم (ه.ق) که ذهبیه پدید می‌آید و تا قرن هشتم مقارن با قطبیت امیر سید علی همدانی به طول می‌انجامد و تشکل کلامی، علمی و ظهور چهره‌های برجسته و تألیف کتاب‌های بنیادی حاصل این دوره است. دوره‌ی دوم از قرن هشتم تا آغاز قرن دوازدهم که اوضاع نابسامان سیاسی و فرهنگی روزگار، سلسله‌ی ذهبیه را نیز در گذرگاه تنگ عافیت قرار داده و دوره‌ی سوم از قرن دوازدهم تا روزگار معاصر که جهان‌بینی ذهبیه ضمن رساله‌های مفصل و علمی شرح و بسط یافته است (نجیب‌الدین رضا، ۱۳۹۷: ۲).

شیخ محمدعلی مؤذن خراسانی که پیر و مرشد و پدرزن نجیب‌الدین است، بر علوم نقلی و عقلی احاطه داشته؛ وی حافظ قرآن و خدمتگزار آستان قدس رضوی و از قاریان و اذان‌گویان این آستانه‌ی مقدس نیز بوده است. کتاب "تحفه‌ی عباسی" در نثر و یک "دیوان اشعار" از او به‌جای مانده است (نجیب‌الدین رضا، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۵). با قراین



چندی می‌توان گفت که این قطب ذهبی در لباس روحانیت و عبا و عمامه بوده است چون نجیب‌الدین رضا جانشین وی در چند مورد او را "آخوند" نامیده، علاوه بر این بعضی تذکره‌نویسان نوشته‌اند، وی در مسجد جامع مشهد منبر می‌رفته است. ارتحال شیخ در ۶۱ سالگی بین سال‌های ۱۰۷۸ تا ۱۰۷۹ در مشهد اتفاق افتاده است (خاوری، ۱۳۹۸: ۲۷۷-۸).

۶- معرفی نسخه‌ها

۱- نسخه‌ی اساس: این نسخه در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی ترکیه به شماره‌ی ۲۵۷۳ نگه‌داری می‌شود. دارای ۱۱۳ برگ و ۲۲۵ صفحه‌ی ۱۷×۹/۵ سانتی متری سطر مکتوب است و هر صفحه ۱۷ بیت دارد که ابیات آن با مرکب سیاه و عنوان‌ها با جوهر قرمز نوشته شده است. نسخه به خط نسخ ایرانی تحریر شده و نام کاتب مشخص نیست. تمام صفحات رکابه‌نویسی^۹ دارد و از ترقیمه^{۱۰} فقط ماه و سال آن را در پایان نسخه می‌بینیم.

چون در عنوان صفحه‌ی دوم نسخه‌ی اساس چنین آمده است: «هذا رسالة الموسومه به خلاصة الحقایق فی تصانیف المولی الاعظم... شیخ نجیب‌الدین رضا ادام الله تعالی ظلال تربیتة علی مفارق الطالبین» و از آنجا که فقط در انتهای همین نسخه‌ی خطی کتابت شده: «تمت فی تاریخ شهر جمادی الاول من شهر سنه ۱۱۰۰»، بنابراین نسخه‌ی اساس در زمان حیات خود شاعر کتابت شده است. لازم به ذکر است، هر جا در این پژوهش به "خلاصة الحقایق" ارجاع داده‌ایم، منظور شماره‌ی صفحات همین نسخه‌ی خطی است.

۲- نسخه‌ی دوم با علامت اختصاری "آ" در سال ۱۱۹۴ (ق.ه) تحریر شده و با رده‌ی عمومی ۹۲۷۶ و شماره‌ی ۲۹۶ جزء کتب ادبیات در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به شناسه‌ی ۴۴۶۱۸ ثبت شده است. این نسخه ۱۲۷ برگ، ۲۵۴ صفحه و هر صفحه ۱۵ بیت دارد. خط نسخه، نستعلیق تحریری و کاتب آن محمد شریف ولد جهانگیر فراشبندی است. واقف نسخه شمس‌الدین تبریزی و تاریخ وقف، آبان‌ماه ۱۳۴۲ شمسی است. طول صفحه ۱۹/۵ و عرض آن ۱۰/۵ سانتی متر سطر مکتوب، رنگ جوهر عنوان‌ها قرمز و رنگ جوهر بیت‌ها مشکی است. جلد نسخه

۹- رکابه‌نویسی: در اصطلاح نسخه‌نویسی آن است که آخرین کلمه‌ی صفحه‌ی قبل را در بالای صفحه‌ی بعد می‌نویسند و در نسخه‌های خطی نقش صفحه‌شمار دارد (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۳۱).

۱۰- ترقیمه: شناسنامه‌ی کتاب‌های خطی است و مجموعه کلمات و عبارات کوتاه و بلندی است که کاتب پس از کتابت متن اصلی کتاب می‌آورد و در ضمن دعا و تسبیح از نام و نشان خود، مکان و زمان کتابت و گاه سفارش دهنده‌ی کتاب یاد می‌کند (همان: ۱۲۴).



از نوع تیماج و کاغذ نباتی است. در سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۵۳ و ۱۳۷۱ خورشیدی بازبینی شده است، تمام صفحات رکابه‌نویسی شده و در آخر ترقیمه دارد.

۳- نسخه‌ی سوم که با نشانه‌ی "خ" در رساله مشخص شده، ۳۹ برگ و ۷۷ صفحه دارد. تاریخ کتابت قرن ۱۳ (ق.ه) و کاتب آن نامعلوم است. اندازه‌ی صفحات نسخه ۱۱×۱۶ سانتی‌متر سطر مکتوب است. هر صفحه ۵۰ بیت و ۲۵ سطر و هر سطر ۴ مصراع دارد. با خط نستعلیق مخلوط شکسته کتابت شده و وحیدالاولیاء آن را در ۲۷ رجب ۱۳۷۹ (ق.ه) وقف کتابخانه‌ی خانقاه احمدی شیراز کرده و با شماره‌ی ۹ دفتر کل و شماره‌ی ۳۳۰ مخصوص به ثبت رسیده است. نوع کاغذ شکری فرنگی و نوع جلد تیماج تریاکی است. عنوان‌ها با جوهر قرمز و بیت‌ها با جوهر مشکی نوشته شده است. همه‌ی صفحات رکابه‌نویسی شده، ولی ترقیمه ندارد.

۴- نسخه‌ی چهارم با حرف "م" در رساله مشخص شده و در کتابخانه‌ی ملک تهران با شماره‌ی ۵۳۷۲ در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۱ خورشیدی ثبت شده است. تاریخ کتابت و نام کاتب مشخص نیست. ۱۳۵ برگ و ۲۷۰ صفحه دارد. اندازه‌ی صفحات آن ۸×۱۵ سانتی‌متر سطر مکتوب و هر صفحه ۱۴ بیت دارد که با خط نستعلیق تحریری کتابت شده، عنوان‌ها با جوهر قرمز و بیت‌ها با جوهر مشکی نوشته شده است. تمام صفحات رکابه‌نویسی دارد و ترقیمه ندارد. صفحه‌ی اول نسخه که شامل عنوان و ۷ بیت بوده، حذف شده است.

۵- نسخه‌ی پنجم با نشانه‌ی "ل" در این رساله مشخص شده و با شماره‌ی ۵۶۹۲ در تاریخ ششم خردادماه ۱۳۳۱ خورشیدی در کتابخانه‌ی ملک تهران ثبت شده است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ۸۸ برگ و ۱۷۶ صفحه است. هر صفحه ۱۷ بیت دارد و اندازه‌ی آن ۵/۷×۱۳/۵ سانتی‌متر سطر مکتوب است. رنگ جوهر عنوان‌ها قرمز و بیت‌ها مشکی است و با خط نسخ ایرانی کتابت شده است. تمام صفحات رکابه‌نویسی دارد، و ترقیمه ندارد. ۵۰۰ بیت از آغاز نسخه و ۳ بیت از پایان آن حذف شده است.



۷- ویژگی‌های رسم الخط

ویژگی‌های رسم الخطی که در نسخه‌ی اساس و دیگر نسخه‌ها مشاهده می‌شود:

۷-۱- جدا نوشتن پیشوند "ن" نفی از فعل در همه‌ی نسخه‌ها:

بخشمش از خویش سپاه جمال تا که نه‌بیند ز عدوش ملال
(نجیب‌الدین رضا، ۱۱۰۰: ۳۲)

۷-۲- جدا نوشتن پیشوند "ب" از فعل در همه‌ی نسخه‌ها:

آن چه به‌بیند نظر سالکان مرده به‌بیند بدل قبر آن (همان: ۸۶)

۷-۳- نوشتن "ی" کوچک (همزه مانند) روی "ه" غیر ملفوظ به‌جای فعل کمکی "ای" در همه‌ی نسخه‌ها

به جز نسخه‌ی چاپ سربی:

بهر همین آمده، ای پسر تا که گشایی ز دلت این نظر (همان: ۸۴)

۷-۴- کاربرد حرف "گ" بدون سرکش در همه‌ی نسخه‌ها به جز نسخه‌ی چاپ سربی:

گاه شه ظاهر و که شاه فقر گاه کدا از دو طرف برده بهر (همان: ۱۰)

۷-۵- نوشتن واژگانی مثل "غایی" و "دویی" و "ندایی" به شکل "غایی" و "دویی" و "ندایی" در نسخه‌ی

اساس و نسخه "م":

جمله یکی‌اند به ذات و صفات نیست دویی هیچ بر ایشان ثبات
(همان: ۹۷)

۷-۶- نوشتن الف مقصوره "ی" به شکل "ا" در نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی "خ" و "م":



کیست علی قدرت حق مصطفی

کیست علی شیر خدا مرثضا (همان: ۵)

۸- خطاهای املائی

در متن نسخه‌ها گاه خطاهایی املائی وجود دارد، برای نمونه:

آه و هوا از دل ناری بخواست

شعله ز هر راه به خاری بخواست

(همان: ۴۵)

پرده چو برخواست ز روی مثال

گشت فنا حاصل او زان جمال

(همان: ۵۴)

شماری از این غلطها فقط در چند نسخه دیده می‌شود، اما تعدادی از آنها در تمام نسخ وجود دارد و همین نکته قضاوت را دشوار می‌کند که آیا اشتباه از مؤلف است یا از کاتبان.

جدول تطبیقی خطاهای املائی در نسخ مختلف

| صفحه | منبع | املائی درست | املائی نادرست |
|-------------------------|---------------------------------|-------------|---------------|
| ۷۰ | نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی "ل" | ذره | زره |
| ۵۶ و ۵۷ و ۸۶ | نسخه‌ی اساس و نسخ "م"، "آ"، "ل" | ردیل | رزیل |
| ۷۳ | نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی "ل" | سرسری | صرصری |
| ۶۹ و ۷۳ و ۷۵ و ۱۰۷ و ۶۵ | تمام نسخ | تعیین | تعین |
| ۹۲ | نسخه‌ی اساس و نسخ "م"، "آ" | ناصبی | ناسبی |
| ۹۶ | نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی "ل" | صرفه | سرفه |



۹- ویژگی‌های سبکی

۹-۱- آوردن پیشوند "می" و "ب" با هم در فعل:

مصلحت آن بود که این ارتیاض می‌بکنند فرق سواد از بیاض (همان: ۲۷)

۹-۲- آوردن پیشوند "ب" با "ن" نفی:

خود بندهاند که به خیر است کار ورنه رهش را نزند ز اختیار (همان: ۲۷)

این نکته از ویژگی‌های نثر دوره‌ی اول (نیمه‌ی اول قرن چهارم تا اواسط قرن ششم) است. بعضی آن را "با"ی زینت نام داده‌اند و بعضی زاید، اما بهار (۱۳۷۶، ج ۱: ۳۶۸) آن را "با"ی تأکید می‌نامد.

۹-۳- پیوستن "ب" تأکید به فعل مستقبل:

داد خبر او به ملک از عناد سجده بخواهید نمد این جماد (همان: ۲۰)

۹-۴- آوردن "دویم" و "سیوم" به جای "دوم" و "سوم":

جوهر عرفان دویم بر رهش همچو شرابی است که شد تلخوش (همان: ۷۲)

۹-۵- کاربرد "مر" با "را" که از دوره‌ی نثر خراسانی به جا مانده و ظاهراً از اصطلاحات خراسانی و از لهجه‌ی دری است (بهار، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۳۳) و در این مثنوی زیاد کاربرد دارد:

یازده فرزند مر او را امام از بر حق آمده بر کل تمام (نجیب‌الدین رضا، ۱۱۰۰: ۶)

۱۰- وزن

مثنوی "خلاصة الحقایق" بر وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن بحر "سریع مطوی مسدس مکشوف" و به تقلید از وزن



مخزن الاسرار نظامی سروده شده است، اما بعد از بیت ۳۵۴ ناگهان وزن شعر تغییر می‌کند و ۳۴ بیت در وزن مفعول مفاعله فعلون در بحر "هزج مسدس مخبون محذوف" می‌آید که وزن مثنوی "لیلی و مجنون" نظامی است و پس از آن دوباره وزن و بحر اصلی رعایت می‌شود. او خود متوجه این انحراف بوده و دلیل آن را بدیهه‌سرایی می‌داند:

چون هست بدیهه گفتگویم
از بحر برون شدم به ناگه
گفتم که بماند آن بدین بحر
که بحر شوم گهی چو جویم
چون شد ورقی نمودم آگه
تا آن که بری تو نیز از این بهر
(همان: ۱۳)

شیخ نجیب‌الدین همانند دیگر مجذوبان عاشق چون مولوی و دیگران به قالب و ساختار کلام چندان توجهی نداشته، زیرا حالت وجد و شوق لقای معشوق در حالت سرودن شعر چنان بر وی غالب بوده که جز به دیدار یار توجه نداشته است. این‌گونه عرفای شاعر بیش‌تر به مفهوم کلام توجه داشتند تا رعایت ساختار شعر (نجیب‌الدین رضا، ۱۳۹۷: ۲۲). شیخ در این مثنوی گاهی برای رعایت وزن در ساختار کلمات دست برده است؛

برای نمونه:

- ۱-۱۰ حذف کسره‌ی اضافه: آدم‌صفی به‌جای آدم‌صفی / کل دایرات به‌جای کل دایرات (همان: ۱۹).
- ۲-۱۰ آوردن مصدر به‌جای فعل: آمدن، بردن، سوزن، خواستن، کردن به‌جای آمدند، بردند، سوزند، خواستند، کردند (همان: ۵۸، ۳۴، ۲۳، ۱۰).
- ۳-۱۰ تبدیل واج کوتاه به واج بلند: دوچار، عوثمان به‌جای دچار، عثمان (همان: ۹۱، ۷۶).
- ۴-۱۰ حذف یک یا دو واج از میان یا آخر واژه: به‌تریش، بیارد به‌جای به‌ترینش، بیاورد (همان: ۸۲، ۵۰).
- ۵-۱۰ تبدیل هجای بلند به هجای کوتاه:

| | | |
|-------|--------|----------|
| کوبده | کوبیده | همان: ۵۰ |
|-------|--------|----------|



| | | |
|------------------------|-------|------|
| همان: ۳۰، ۴۱، ۹۴ ۱۵ | نمود | نمُد |
| همان: ۵۴ | هیئات | هیهت |

۱۰-۶- حذف همزه‌ی اول کلمه:

| | | |
|--------------------|-------|------|
| همان: ۲۷، ۳۵ ۲۶ | ابلیس | بلیس |
| همان: ۱۱۲ | اعضای | عضا |

۱۱- قافیه

تعدادی از بیت‌های "خلاصة الحقایق" اشکال قافیه دارند، این اشکالات عبارت‌اند از:

۱۱-۱- سناده: ^{۱۱} بیش‌ترین مورد از عیوب قافیه در این کتاب است:

| | |
|--|-------------------------------|
| خوردنش از خاطر حوّا بدان (همان: ۲۵) | وسوسه آرم بر حوّا کنون |
| کردن اخراج ز جسم گران (همان: ۸۷) | بل چه بود آمدن از خود برون |
| زد چو قدم خویش به دارالسلام (همان: ۹۱) | رسم شیاطین شکند از قدوم |
| قدرت شماع کند آن تمام (همان: ۹۴) | شخص چو شماع و عناصر چو موم |
| نزد خرد قالب بی‌جان بود (همان: ۱۱۳) | زان که کسی را که نه موزون بود |

موارد دیگر سناده در منظومه: فنون و نشان (۳۷)، آن و اندرون (۵۴)، برون و گران (۸۷)، اوزان و موزون (۱۱۲).

۱۱ - سناده در شعر عرب اختلاف حذو و تأسیس است و در شعر فارسی اختلاف ردف است (شمس قیس، ۱۳۸۸: ۳۰۶).

۱۱-۲- اقوا (اختلاف توجیه):^{۱۲}

گر خطری رفت نما خود بجل
(همان: ۱۰۱)
داد عبورش بستاند مهم (همان: ۱۰۶)

مسئله‌ای بود که گردید حل
کشتی او را چو به بحر ششم

۱۱-۳- ایطا:^{۱۳}

رغبتش آرم بهسوی خوردنش
(همان: ۲۵)
هست بهشتی ز سما ماندگان (همان: ۱۱۱)

گفت زخم از ره گندم رهش
جنت ذر بهر فروماندگان

۱۱-۴- رعایت نکردن حرف روی:

کیست چو من مبدأ نور و ضیا
(همان: ۳۰)

کرد زبان باز و بگفتا به شاه

کو و کوه (همان: ۵۳)

۱۱-۵- قافیه کردن "واو" بیان ضمه با مصوت بلند "او":

رنگ خطاشان چو کنی شست‌وشو
(همان: ۵۵)

هر که بود جنس تو گردد چو تو^{۱۴}

۱۲ - اقوا: چون حرکت حذو یا توجیه در قافیتی مخالف دیگر قوافی افتد (همان: ۳۰۶).

۱۳ - عیبی که در قافیه شدن کلمات مرکب پیش می‌آید و آن وقتی است که قافیه تنها بر اساس تکرار جزء دوم کلمه‌ی مرکب باشد و دو نوع است: جلی و خفی (شمیسا، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

۱۴ - روی قرار دادن واو بیان ضمه در واژه‌ی تو شایسته نیست (شمس قیس، ۱۳۸۸: ۲۶۳).



۱۱-۶- تغییر تلفظ واژه به خاطر رعایت قافیه:

هادی هر قافله‌ی راه جو
بر همه مربوب به رب نمو (همان: ۲)

۱۱-۷- تکرار قافیه مانند: نظیر و بی‌نظیر (همان: ۱۰۲)؛ بمان و ممان (همان: ۸۴)؛ احتیاج و لا احتیاج (همان: ۹۵).

خود به اراده چو بمیری خوش است
ورنه به موعود بسی ناخوش است
(همان: ۸۴)

۱۱-۸- بیت‌های بدون قافیه:

هیچ نیامد ز درون خود برون
خود ز درون داشت خبر از برون
(همان: ۲۹)

نمونه‌های دیگر: قرب خدا و لطف خدا (همان: ۱۱۰)؛ باطن بود و قاطع بود (همان: ۹۸)؛ تعجب همه و تفکر همه (همان: ۲۳)؛ جداکردنی و صد کردنی (همان: ۸۵)؛ اولاد اوست و مطلق اوست (همان: ۱۰۴).

۱۲- آرایه‌های ادبی

ساختار "خلاصة الحقایق" مانند دیگر آثار شیخ معنی‌گرا است و آرایه‌های ادبی در آن چندان برجسته نیست. باین حال شاعر مثنوی خود را با بعضی آرایه‌ها آراسته و بر تأثیر سخن خویش افزوده، به خصوص زمانی که از عشق و حسن معشوق سخن می‌راند:

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| غمزه‌ی آن آمده عاشق‌کشان | چشم خوشش فتنه‌ی آخرزمان |
| شیفته زان گشت دل هر فقیر | خال سیاهی که ندارد نظیر |
| نیم نظر عاشق از آن آب شد | طاق و رواقی که چو محراب شد |
| آمده بر قتل دل عاشقان | خنجر مزگان به کف هندیان |
| عارض او آمده مه را نظیر | چهره‌ی او آمده بدر منیر |



چاه زنج گشته ز یاقوت پُر
بیخته چون مشک به دور عذار
کرده بناگوش به خود روی‌پوش
شهد چکان چون شکر از کنج لب
(همان: ۱۷)

آن لب و دندان چو لعل و چو دُر
سنبل آن عارض عنبر نثار
گیسوی مشکین درازش به دوش
قامت چون سرو و چو نخل رطب

تعدادی از آرایه‌های پرکاربرد در این مثنوی عبارت‌اند از:

۱-۱۲- تشبیه

پرکاربردترین آرایه‌ی ادبی این منظومه تشبیه است که از قدیم‌ترین عناصر خیال در آثار ادبی است. برخی از این تشبیهات عبارت‌اند از:

۱-۱-۱۲- تشبیه بلیغ:

بیش‌ترین نوع تشبیه در این منظومه تشبیه بلیغ است:

چتر کمالش چو برافراشتند
بر زبَر عرش خدا داشتند (همان: ۴)

توسن تحقیق (همان: ۶)، جوهر اسرار (همان: ۶)، بحر حقیقت (همان: ۷)، بحر ذات (همان: ۷)، مرغ روح (همان: ۱۰)، گه بحر شوم (همان: ۱۳)، قبای جسم (همان: ۱۳)، زنگ دل (همان: ۱۳)، بار امانت (همان: ۱۵)، چاه زنج (همان: ۱۷)، خانه‌ی قلب (همان: ۲۰)، طوق گنه (همان: ۲۱)، مَرَس مکر شیطان (همان: ۵۲)، آب ترحم (همان: ۱۱۳).

۱-۲- تشبیه مجمل:

رحمت او سرشکن قهر اوست
رحمت او چون مخ و قهرش چو پوست
(همان: ۷)

گهی چو جویم و مرد چون زن (همان: ۱۳)؛ اوست چو آبا و حوا امهات (همان: ۱۹)



۱۲-۱-۳- تشبیه ملفوف:

چاه زنج گشته ز یاقوت پُر (همان: ۱۷)

آن لب و دندان چو لعل و چو دُر

۱۲-۱-۴- تشبیه مؤکد:

عارض او آمده مه را نظیر (همان: ۱۷)

چهره‌ی او آمده بدر منیر

۱۲-۲- کنایه

کنایه در این مثنوی، کاربرد نسبتاً زیادی دارد:

سِرّ خفا را به نظر موبه‌مو (همان: ۹)
کرده تعجب‌زده کف را به کف (همان: ۲۱)
در کمرش رشته‌ی خدمت بیست
(همان: ۳۴)

بر سر حرفم چو رسی دم مزن (همان: ۱۱۱)
گشت فریبندگی‌اش دزد راه (همان: ۲۳)

هرچه ندیده است ببیند هم او
ساکن جنت چو بدند صف به صف
مرکب وی ساخت دو پا و دو دست
گوش‌گشا رفتم و گفتم سخن
گشت چو ابلیس لعین روسپاه

گوشه گرفتیم و گشادیم کار (همان: ۶)؛ راه زدن (همان: ۲۳).

۱۲-۳- استعاره

حالت آن شهر نپرسیده‌ام (همان: ۲۵)
رند و خراباتی و می‌نوش شد (همان: ۱۵)

زان که من از دیده‌ی دل دیده‌ام
عشق چو با علم هم‌آغوش شد

هم‌آغوش شدن عشق با علم و همچنین رند و خراباتی و می‌نوش شدن آن، استعاره است.



۱۲-۴-تضاد

تضاد از آرایه‌های پرکاربرد در این مثنوی است، برای نمونه:

شاه بفرمود که تا ملکشان زیر و زبَر گشت پس از امتحان
(همان: ۳۰)

صغیر و کبیر (همان: ۹)؛ شاه و گدا (همان: ۱۰)؛ اصل و فرع، صورت و معنی (همان: ۱۱)؛ لطف و قهر، هست و نیست (همان: ۱۴)؛ عیب و هنر (همان: ۱۷)؛ سیاه و سفید (همان: ۲۰)؛ شب و روز (همان: ۲۳)؛ درون و برون (همان: ۲۶)؛ ازل و ابد (همان: ۲۸)؛ کثیف و لطیف (همان: ۳۰)؛ بدایات و نهایت (همان: ۳۰)؛ صبح و شام (همان: ۳۵)؛ خیر و شر (همان: ۴۳)؛ سلف و خلف (همان: ۶۳).

۱۲-۵-جناس

در این مثنوی انواع جناس هم دیده می‌شود:

۱۲-۵-۱- جناس تام:

معنی معدوم جز از نیست، نیست^{۱۵} آن که بود هست و دگر نیست، چیست
(همان: ۲۹)

بهشت و بهشت (همان: ۴۲ و ۳۷)، بازگشت (در معنی مصدری) و بازگشت (در معنی فعل) (همان: ۶۷).

۱۲-۵-۲- جناس ناقص اختلافی (مضارع و لاحق) مانند:

من و تن، هست و دست، خلق و حلق (همان: ۸)، بال و حال (همان: ۱۰)، گشتی و کشتی (همان: ۲۵)، مایده و فایده (همان: ۴۴)، هوش و گوش (همان: ۲۴)، بهار و نهار (همان: ۲۷)، نار و مار (همان: ۲۸)، قهر و دهر (همان: ۳۹)، علم و حلم (همان: ۴۱)، جمال و جلال (همان: ۴۱)، زمین و امین (همان: ۴۲)، یأس و بأس (همان: ۴۳)، گوش و نوش (همان: ۴۹)، پُر و دُر (همان: ۵۱)، سلف و خلف (همان: ۶۳)، تن و زن (همان: ۷۲)، باز

۱۵ - آوردن انواع جناس در محل قافیه را "قافیه‌ی بدیعی" می‌نامند (شمیسا، ۱۴۰۰: ۱۲۸).



و ساز (همان: ۸۲)، او و هو (همان: ۹۷)، دوست و پوست (همان: ۹۷)، کمال و جمال (همان: ۹۸)، حلق و دلخ (همان: ۱۰۴)، بد و حد (همان: ۱۰۹)، دور و شور (همان: ۱۱۳).

۱۲-۵-۳- جناس زاید:

چار ملک کان بوند ارکان جود آمدن از قدرت حق در وجود (همان: ۱۰)

۱۲-۵-۴- جناس خط (مصحف):

در حرم و مکنم غیب‌الغیوب بود نهران پاک ز عیب‌العیوب (همان: ۲۹)

خلق و حلق (همان: ۱۰۴ و ۸)، مجال و محال (همان: ۸۲ و ۲۹).

۱۲-۵-۵- جناس لفظ:

بار ملامت بکش از طعنه‌زن نزد بطون هست چو قطره به بحر تا که شود پاک تو را حسن ظن (همان: ۴۹)
هر که قبولش کند او برد بهر (همان: ۹۷)

۱۲-۵-۶- جناس قلب:

أم صفات آمد و اسما نمود عطسه بزد آدم و شد در سجود (همان: ۲۳)

۱۲-۵-۷- جناس اشتقاق و شبه اشتقاق:



بسیط و بساط، محیط و محاط (همان: ۸)، عاشق و معشوق (همان: ۱۷)، قاهر و قهر (همان: ۳۶)، ذاکر و مذکور (همان: ۵۵) همگی اشتقاق و اضاف و زفاف (همان: ۲۴)، هشت و بهشت (همان: ۳۶) شبه اشتقاق هستند.

۱۲-۶-اقتباس

در بیان کیفیت روح کل و دمیدن دم "و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي" در آدم اوّل که انسان کامل است (همان: ۸) که بخشی از آیه ۲۹ سوره حجر است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»، (هنگامی که آن را نظام بخشیدم و در او از روح خود دمیدم، همگی برای او سجده کنید).

تتمه‌ی حمد در بیان قدرت خالق در خلّیت زمان و مکان که ثمره‌اش شناسایی وقت است. کما قال نبی صلی الله علیه و آله: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»^{۱۶} حدیث معروفی است که صوفیه بدان استناد می‌کند (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۳۹) و مقصودشان از استناد بدان، مقام استغراق یا محو و فنای در حضرت حق است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۲۸۶).

۱۲-۷-تلمیح

در این مثنوی علاوه بر آوردن عین یا بخشی از آیه و حدیث در عنوان‌ها، اشاره به آیه‌های قرآن و حدیث (تلمیح)، فراوان به کار رفته است.

بابل و چاه است از ایشان نشان
(همان: ۳۷)

جمله به مکاری و سحر و فنون

اشاره به سحر و جادو در میان بابلیان دارد.

۱۶- برای من در خلوتگاه با خدا، وقت خاصی است که در آن هنگام نه فرشته‌ی مقرّبی و نه پیامبر مرسل‌ی گنجایش صحبت و انس و برخورد مرا با خدا ندارند.



مبدأ اصلی همه کن فکان

منشأ آثار مکین و مکان (همان: ۱۰)

"کن فکان" اشاره به چند آیه از قرآن دارد از جمله؛ ۱۱۷ بقره «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ (پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است و چون چیزی را اراده کند همین که بگوید: باش، می‌شود) و آیات ۴۹ و ۴۷ آل عمران، ۷۳ الانعام و ۴۰ النحل که همگی به شکل "کن فیکون" هستند.

ساخت ز خردل چو بر این پیشگاه

خلق نمد مرغ "هلوعی" اله (همان: ۱۸)

اشاره به آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی معارج دارد: "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا" به‌راستی انسان بی‌تاب خلق شده است.

حکم نمد سجده‌ی آدم به کل

تا که از آن سجده بیابند گل (همان: ۲۱)

بیانگر فرمان خداوند به فرشتگان که بر آدم سجده کنند و در آیات ۶۱ اسراء، ۱۱۶ طه، ۵۰ کهف، ۱۱ اعراف، ۳۰ حجر، ۷۳ ص و ۳۴ بقره آمده است، از جمله:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ (و آن گاه که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس همگی سجده کردند، جز ابلیس که ابا کرد و برتری جست و از کافران گردید) (بقره ۳۴).

گفت خدا لعنت من بر تو باد

تا به قیامت که نمودی عناد (همان: ۲۲)

اشاره به آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی حجر دارد: «وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ»؛ (و بی تردید تا روز قیامت لعنت و نفرین بر تو خواهد بود).

هست بدان یازده فرزند خویش

مادرشان بضعه‌ی احمد ز پیش

(همان: ۸۱)



اشاره به حدیث نبوی که به شکل‌های مختلف آمده است از جمله؛

«فاطمه بضعه مئی، فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي»؛ (فاطمه پاره‌ی تن من است، هرکس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است) (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۲۱۰).

۸-۱۲ - مراعات نظیر

دوری بنما ز مردم کج (همان: ۱۳)
خَدَّاع و حسود مرد چون زن (همان: ۱۴)
ماضی و مستقبل و حالش کنون
(همان: ۲۹)
در کمرش رشته‌ی خدمت ببست
(همان: ۳۴)
خاک بود رحمت و نارش قهار (همان: ۳۹)
بر سر راه‌اند چو چاه رهت (همان: ۵۴)
چارم آن احمد ختم انبیاست (همان: ۶۳)
شافعی و مالکی و حنبلی (همان: ۹۲)

از روزه و از نماز و از حج
دیوانه و کور و شَلَّ و الکن
بلکه یکی بود درون و برون
مرکب وی ساخت دو پا و دو دست
آب ز خاک است و هوا جنس نار
أُم و آب و همسر و أخت و أخت
عیسی و موسی و خلیل خداست
مشرك و دهري و دگر ناصبی

۱۳ - بررسی محتوایی نسخه

نجیب‌الدین در این مثنوی از موضوعات گوناگون و متنوعی سخن رانده است، مطابق مرسوم متون عرفانی و نیز بسیاری از کتاب‌های غیر عرفانی کلام خود را با حمد و سپاس خداوند و نعت پیامبر (ص) می‌آغازد و از آنجاکه شیعه است، پس از آن در منقبت ائمه (ع) داد سخن می‌دهد. برخی از موضوعات دیگر که در این مثنوی آمده، عبارت‌اند از: خلقت موجودات، نمودن راه سلوک و مراتب عرفان، فنای در مربی، فقر حقیقی و مجازی، مرگ ارادی و مرگ موعود، بیان معنی ظهور آدم و حسد ابلیس و وسوسه‌ی آدم و حوا که سبب هجرت آدم از بهشت می‌شود و بیان ویژگی‌های کاملان مکمل و سالکان و مریدان و پند و اندرز از جمله موضوعاتی است که در این مثنوی آمده است. سخن شیخ در موضوعاتی که بیش‌تر جنبه‌ی آموزشی دارد و آمیخته با مباحث کلامی و مبانی تصوف است،



چندان شاعرانه نیست، اما آنجا که از عشق می‌گوید، بیان شاعرانه و زیباست علاوه بر این شیخ با مهارت مفاهیم پیچیده‌ی عرفانی همچون: وحدت وجود، عشق مجازی، سماع، خضوع و خشوع، فنای در مربی، اعیان ثابت، توکل، انواع تجلی، توفیق، حدوث و قدیم و تجلیات اربعه را با زبان شعر و چاشنی مثل به زیبایی بیان می‌کند. وی به تقلید از آثار عرفانی به خصوص مثنوی معنوی رموز و پیچیدگی‌های عرفانی را در قالب تمثیل و داستان می‌آورد؛ از جمله: «رفتن غلام جمال به سفر از بهر تجارت و مساهله نمودن، نهی شاه از خوردن لقمه و چشیدن تلخی هجران و ندامت و قبولی توبه بعد از آن» (همان: ۳۷) که منظور از شاه و غلام جمال، خدا و آدم است و همچنین «حکایت بر سبیل تمثیل در بیان معنی توکل» (همان: ۷۴).

نجیب‌الدین رضا گاه تحت تأثیر اندیشه‌های شیعی‌گری دوران صفویه در تقابل با اهل سنت رویه‌ی تساهل و تسامحی را که در بیش‌تر عارفان پیشین می‌بینیم، کنار می‌گذارد؛ از جمله ضمن مدح امام علی (ع) می‌گوید:

او وصی اول پیغمبر است هرکه به جز پیرو او کافر^{۱۷} است
(همان: ۶۳)

وی نسبت به پیروان ادیان دیگر نیز ترش‌رویی می‌کند و آن‌ها را چون نصارا صورت‌پرست (همان: ۵۲) و چون هندی‌ها پلید می‌خواند:

می‌شوی آخر چو هنودان پلید می‌شوی از نار و هوا مستفید (همان: ۵۹)

شیخ سرچشمه‌ی اختلافات دینی و جنگ هفتاد و دو ملت را شیطان می‌داند و با حکایت تمثیلی سپاه جمال و سپاه جلال، رویارویی حق و باطل را می‌نمایاند که در این درگیری شاه (خداوند) سپهسالارانی (انبیا و اوصیا) برای حفظ سپاه جمال می‌فرستد:

شد خبر آمدن انبیا از وصی و آمدن اولیا (همان: ۹۰)

۱۷ - نارواداری مذهب غیر در آثار دیگر عرفانی هم نمایان است: شیخ «باید که اعتقاد اهل سنت و جماعت دارد و به بدعتی آلوده نباشد تا مرید را در بدعتی بیندازد که معامله‌ی اهل بدعت منجح و منجی نباشد» (نجم‌رازی، ۱۳۶۵: ۲۴۴).



تا که شوند دین خدا را قویم راه ببندند به دیو رجیم (همان: ۹۱)

البته در این مصاف شیطان هم آرام نمی‌نشیند و برای «خرابی قلعه‌ی جمال و اسیر کردن سپاه به رسن مکر و حیل و سلاسل فریب» (همان: ۹۱) متوسل می‌شود و راه چاره را فرقه‌سازی می‌بیند:

| | |
|----------------------------|-------------------------------|
| سینه‌ی بسیار خراشم ز نیش | مذهب بسیار تراشم ز خویش |
| بر بدل آرم کنم این راه تنگ | ریش و عصا، شانه و تسبیح و رنگ |
| بر سرشان رشته کنم چون حمار | تا که شود غفلتشان بی‌شمار |

(همان: ۹۱)

عارفان دست‌یابی به معرفت را از طریق قلب و بدون تکیه بر عقل و استدلال می‌دانند که سرانجام آن اتصال بدون واسطه با ذات یا صفات حق است که آن را عرفان می‌خوانند، پس نزد صوفیه آنچه انسان را به خدا راه می‌نماید، هم خداست و راهنمای او نه عقل است که معتزله می‌گویند و نه دلیل که اشاعره می‌پندارند (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۵). با این همه نجیب‌الدین رضا در بیت‌های زیادی از "خلاصة الحقایق" مسائل کلامی مانند: خلقت هستی، حدوث و قدیم، مرکب و بسیط، جمع نقیضین، نفس ناطقه و اعیان ثابته را چاشنی مطالب عرفانی خویش کرده و مثنوی "خلاصة الحقایق" را به اثری عرفانی و حکمی تبدیل کرده است.

دیدگاه نجیب‌الدین درباره‌ی جبر و اختیار همان بوده که مورد اعتقاد شیعه است یعنی: حد وسطی است میان جبر اشعری و تفویض معتزلی و این است معنی جمله‌ی معروف که از ائمه‌ی اطهار رسیده است: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین امرین» (کلینی رازی، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

نجیب‌الدین رضا درباره‌ی اصول دین نیز در این مثنوی دیدگاهی دارد که در آثار عرفانی و کلامی قبل از او و حتی آثار قبلی خودش مانند "نورالهدایه و مصدرالولایه" پیشینه‌ای ندارد. او به‌صراحت می‌گوید:

«اصول دین پنج است سه فرع و دو اصل، اما دو اصل یکی توحید است و یکی عدل؛ و نبوت و امامت و معاد فرع عدل اند چه، عدالت لازم دارد گذاشتن قانونی را که بندگان مراعات آن قانون کنند پس گذارنده و آورنده‌ی آن قانون نبی باشد و نگهبان آن قانون، امام و پرسیدن از رعایت آن قانون، معاد» (همان: ۸۰).



اهمیت این دیدگاه از آن جهت است که اهل سنت توحید، نبوت و معاد را اصول دین می‌دانند و ایمان به آن را جزء واجبات اسلام می‌شمارند و شیعه افزون بر آن سه اصل، عدل و امامت را هم معرف مکتب خود (اصول مذهب) ذکر کرده‌اند.

نجیب‌الدین درباره‌ی عدل می‌گوید: عدل فروع بسیاری دارد و به پنج‌تای آن اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: خلق بندگان، فرستادن کتاب و پیامبر، وجود فاطمه (س) و دوازده امام (ع) که این دوازده تن باعث قوام عروة الوثقی دین هستند و امور دین را به بندگان می‌رسانند.

وی سه اصل معاد، نبوت و امامت را تحت الشعاع عدالت قرار می‌دهد و بدون عدل دو عالم را خراب می‌داند:

| | |
|--------------------------|-------------------------|
| اصل دویم عدل بود در حساب | بی ثمر عدل دو عالم خراب |
| عدل نماینده‌ی وحدت بود | عدل نوازنده‌ی کثرت بود |

(همان: ۸۱)

۱۴- نتیجه

مثنوی "خلاصة الحقایق" از نجیب‌الدین رضا زرگر تبریزی اصفهانی قرن یازدهم (ه.ق)، قطب سی‌ام فرقه‌ی ذهبیه است که در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف سروده است. وی در این مثنوی که آخرین اثر اوست پند و اندرز، نکات اخلاقی و اجتماعی، اصول تصوف و آداب سیروسلوک و مبانی پیچیده‌ی عرفانی و کلامی را در قالب داستان‌ها و حکایت‌های تمثیلی بیان می‌کند که باعث شده این اثر تعلیمی از خشکی و خستگی آموزش علمی درآید و افزون بر آن از فضای صوفی‌ستیزانه‌ی آن روزگار نیز در امان باشد.

ساختار "خلاصة الحقایق" مانند دیگر آثار شیخ معنی‌گراست و شعر ابزاری برای بیان آرا و دیدگاه‌های صوفیانه‌ی وی، چنان‌که تا این زمان صدها صوفی شاعر پیشه آثار ارزنده‌ی منظومی خلق کرده‌اند که در عین لطافت و زیبایی و کاربرد آرایه‌های مناسب و دل‌نشین، گاه شاهد مشکلات وزنی، ضعف تألیف و ایراد قافیه در شعر آنان بوده‌ایم. شیخ نجیب‌الدین نیز با همه‌ی ظرافت و لطف سخن در کاربرد آرایه‌های ادبی، به خصوص حکایت‌های تمثیلی فراوان و زیبا برای بیان مفاهیم پیچیده‌ی عرفانی از عیوب ذکر شده مبرا نیست به گونه‌ای که حتی بعضی ابیات این مثنوی قافیه ندارد.

برای معرفی "خلاصة الحقایق" و بیان ویژگی‌های سبکی، آرایه‌های ادبی و بررسی محتوای آن پنج نسخه‌ی خطی



همراه با یک نسخه‌ی چاپ سربی از این مثنوی مورد بررسی قرار گرفته است. نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی سلیمانیه کهن‌ترین نسخه‌ی این مثنوی است که در زمان حیات شاعر کتابت شده و لغزش‌های املایی و نگارشی کمتری نسبت به دیگر نسخه‌ها دارد، به‌عنوان نسخه‌ی اساس انتخاب و با پنج نسخه‌ی دیگر مطابقت و اختلافات نسخ ضبط شده است.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرم‌شاهی. تهران: انتشارات بوستان. چاپ هفتم.
۲. استهباناتی، علی‌نقی (۱۳۸۲). برهان المرتاضین. تحقیق و تصحیح: محمد هرتمنی. اصفهان: نشر مقیم.
۳. بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. ج چهارم. استانبول: انتشارات دارالفکر.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۷۶). سبک‌شناسی. ج اول. تهران: انتشارات بدیهه. چاپ نهم.
۵. جهان‌بخش، جويا (۱۳۷۸). راهنمای تصحیح متون. تهران: میراث مکتوب.
۶. خاوری، اسدالله (۱۳۹۸). ذهبیه (تصوف علمی- آثار ادبی). ج اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). ارزش میراث صوفیه. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ ششم.
۸. شمس‌قیس، محمد (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. تصحیح محمدبن عبد الوهاب قزوینی و دیگران. تهران: نشر علم.
۹. شمیسا، سیروس (۱۴۰۰). آشنایی با عروض و قافیه. تهران: نشر میترا. چاپ ششم.
۱۰. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۳). شرح مثنوی (جزء چهارم از دفتر اول). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱). احادیث مثنوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۲. کلینی رازی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۰). اصول کافی. تحقیق، ترجمه و توضیح حسین استاد ولی. ج اول. تهران: دارالکتب.
۱۳. مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی). مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۴. مدرسی چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۱). سیرتصوف. تهران: انتشارات اشراقی. چاپ سوم.
۱۵. نجم‌رازی، ابوبکر بن محمد (۱۳۶۵). مرصادالعباد. مصحح: محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم.



مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

۱۶. نجیب‌الدین رضا جوهری، محمدرضا (۱۱۰۰ ه.ق). خلاصه‌الحقایق (نسخه‌ی خطی).
۱۷. _____ (۱۳۹۷). دیوان اشعار. تصحیح و توضیح: خیرالله محمودی. قم: انتشارات طلوعه‌ی نور.
۱۸. _____ (۱۳۹۸). نورالهدایه و مصدرالولایه. تصحیح و توضیح: خیراله محمودی. تهران: انتشارات مولی.
۱۹. نوروزی سده، عزت و رادمنش، عطامحمد (۱۳۹۹). "بررسی گونه‌های تمثیل در مثنوی خلاصه‌الحقایق اثر نجیب‌الدین رضا تبریزی". فصل‌نامه‌ی تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ش ۴۶. ص (۹۳-۱۱۲).